

الحمد لله
الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لاه
لولا أن هدانا الله
لكنّا كفّارون

فهرست مطالب

- نظریه های یادگیری عینیت گرایی و نسبیت گرایی
- مبانی فلسفی سازنده گرایی
- مفروضات سازنده گرایی
- تعاریف سازنده گرایی
- پیشگامان سازنده گرایی
- سازنده گرایی و کلاس درس
- رویکرد تدریس مبتنی بر سازنده گرایی
- روش های یادگیری مبتنی بر سازنده گرایی
- روش های سنجش مبتنی بر سازنده گرایی
- مقایسه سازنده گرایی با نظریه های دیگر یادگیری
- نقدی بر سازنده گرایی
- فهرست منابع

سازنده گرایی و نسبیت گرایی

فلسفه عینیت
گرایی

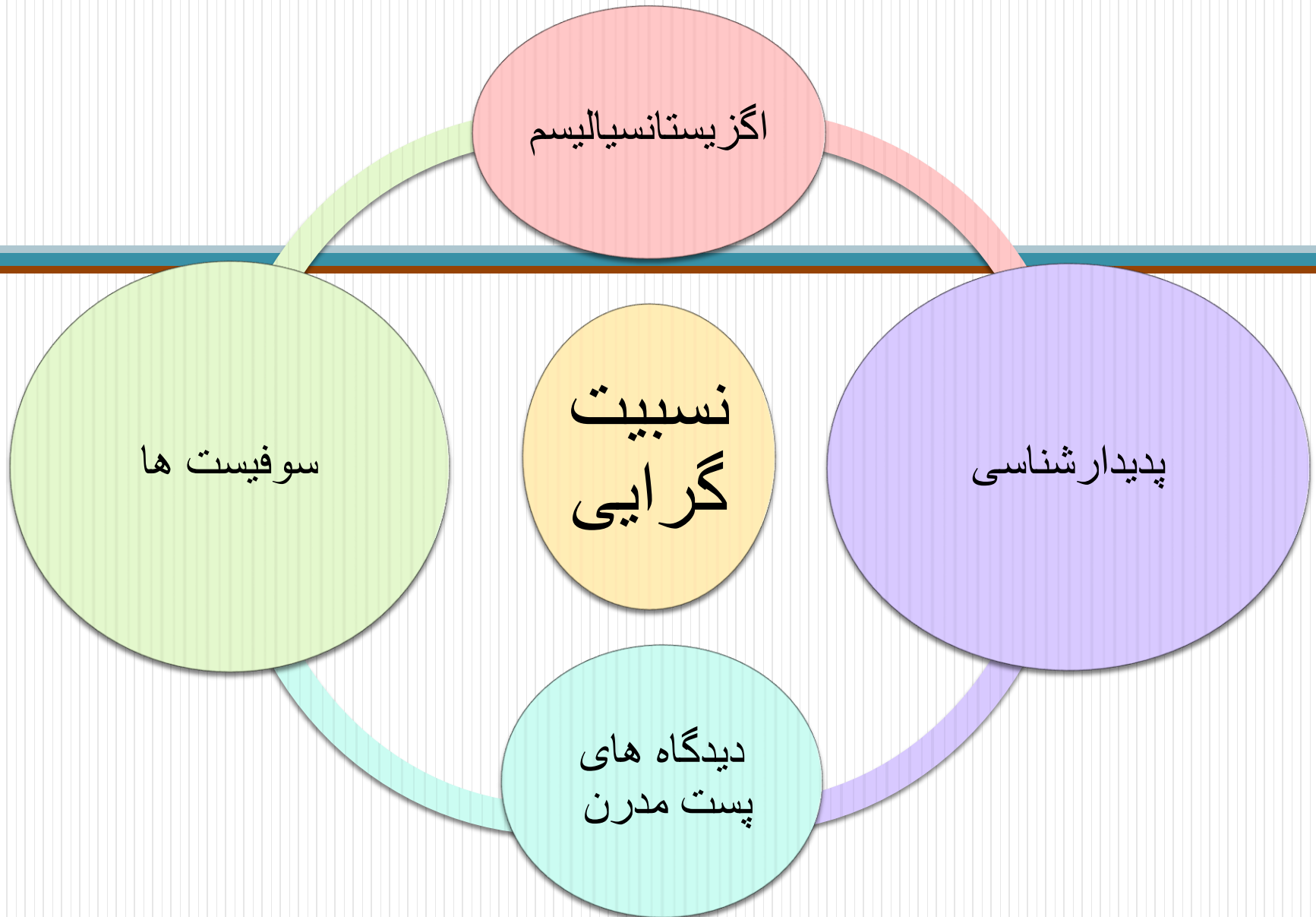
نظریه های یادگیری رفتارگرا

نظریه های یادگیری شناخت گرا

فلسفه نسبیت گرایی

نظریه های یادگیری سازنده گرا

مبانی فلسفی سازنده گرایی



نسبیت گرایی

- نسبیت گرایان واقعیت را برداشت فرد از محیط می دانند. حقیقت یک امر نسبی است.
- نسبی گرایی منکر وجود معیاری کلی و فراگیر است که به اعتبار آن بتوان نظریه ای را برتر از دیگری دانست.
- هر آنچه افراد صحیح می خوانند، برای خود آنها صحیح است و به هیچ وجه نباید معتقد باشیم که قطعیتی در کار است که می توان آن را به نحو بین الاذهانی پذیرفت و مورد ارزیابی قرار داد.
- کسانی که می گویند حقیقت نسبی است، آنرا تغییرپذیر می دانند. از اینرو حقیقت مطلق و رها از نسبت با اشخاص و زمان خاص را باور ندارند.
- نسبیت گرایی معرفت شناختی دانش بشری را با ویژگی های فردی و ذهنی فرد صاحب دانش گره می زند.
- نسبی گرایی در همه ی حوزه ها از تکثرگرایی دفاع می کند و اینکه هیچ اصل یا پارادایم یا شاخص و معیاری نیست که بتوان بر اساس آن به این تکثر پایان داد.

اگزستانسیالیسم

- اگزستانسیالیسم که درباره مقولات مطلق جهانشمول مشکوک است، نسبت به نظامهای فلسفی که درصددند جهانبینی جامعی را بنا نهند تا تجارب انسانی را بر حسب مفاهیم واقعیت پیشینی مقوله بندی کنند ، بی اعتمادند. چرا که در این نظامها فرد تعریف و مقوله بندی می شود و نقش و جایگاهی به او تفویض می شود.
- این در حالیکه است که اگزستانسها عقیده دارند که هر فردی زاده می شود، زندگی می کند، مسیر خود را انتخاب می کند و معنی وجودی خویش را می آفریند.
- کیرکیگارد در رد ایدئالیسم هگلی می گوید این نظام اندیشه با جعل پنداری بزرگ ، موجب انحراف افراد از اقدام شخصی برای آفرینش معنی می شود.
- هایدگر بیان می کند، فرد معنی خویش را از طریق انتخابهایی که سازنده ی اصالت اوست ، می آفریند.
- سارتر می گوید هر فردی معنی و ماهیت خود را می آفریند. انسان از راه انتخابگری فردی، شخصی و ذهنی در هر موقعیتی برای تکوین ماهیت خود اقدام می کند.
- اگزستانس ها معتقدند: ما خودمان را می سازیم، ماهیتمان را می آفرینیم. انسان هیچ نیست مگر آنچه خودش می سازد.

پست مدرنیسم

- توجه به دیگری: هیچ فرهنگ یا علم یا فلسفه ای یگانه و بی همتا و به تنهایی معتبر وجود ندارد. فرهنگ ها متنوع و متعددند و فرهنگی که جهانی باشد وجود ندارد.
- نا باوری به فراروایت ها: لیوتار می گوید بیایید تفاوت ها را برجسته سازیم و شکوه نام را حفظ کنیم. وی بر ناهمانی، نایکسانی و ناپیوستگی تاکید می کند.
- تاکید بر چندگانگی فرهنگی: از نگرش های یگانه انگارانه و کل گرایانه که بر آنند تا همه ی گوناگونی ها را در یک نظام فراگیر گرد آورند، باید دوری کرد.
- دلوژ بر ناروا شمردن یگانه انگاری و یگانه نگری تاکید می کند.
- از نظر دریدا معنای ثابت و یگانه ای در کار نیست.

پدیدارشناسی

این اندیشه ی فلسفی، تاکید بر تجربه ی فردی و ادراک شخصی از پدیدارها دارد و معتقد است پدیدارها به نحوی منحصر به فرد برای اشخاص جلوه گر می شود .

پدیدارشناسی در مقابل هرگونه روش شناسی عینیت گرا در رابطه با واقعیت های تربیتی موضع انتقادی فراهم می آورد.

از دیدگاه پدیدارشناسی، تفسیر ذهنی حوادث زندگی امری اجتناب ناپذیر است. حوادث باید دریافت و در ارتباط با تجارب شخصی مورد بررسی قرار گیرد.

سوفیست ها

هر گونه جستجوی حقیقتی ثابت، کاری است بیهوده، چرا که حقیقتی در میان نیست. نظریه ی واحدی در مورد چگونگی به وجود آمدن جهان وجود ندارد از اینرو علم امری نسبی است. این ضرب المثل پروتاگوراس که انسان معیار همه چیز است، نوعی نسبیت گرایی درباره ی افراد را بیان می کند.

مفروضات سازنده گرایی

ردیف

دانش بر مبنای تجربه های شخصی فرد ساخته می شود.

1

یادگیری فرایند تفسیر شخصی از جهان است.

2

یادگیری فرایندی فعال است که با ایجاد معنی مبتنی بر تجربه توسعه می یابد.

3

یادگیری در محیط واقعی حاصل می شود.

۴

شناخت امری نسبی و ساختنی است. شناخت انسان تفسیری را از جهان مادی می سازد. هر یک از انسان ها یک نظام خصوصی درونی از فهم را بنا میکند که تجاربش را از دنیای واقعی منعکس می کند.

۵

حقیقت امری ذهنی است. هر انسانی، حقیقت را خود به وجود می آورد. هر کس فهمی بی همتا و خصوصی بر مبنای تجارب بی مانند خود از جهان مادی دارد. دانش قبلی چارچوبی را برای تفسیر تجارب جدید فراهم می کند.

۶

یادگیری امری درونی است. دانش با اضافه کردن اطلاعات جدید به آنچه از قبل شناخته شده یا ترکیب فهم ها برای خلق روابط مفهومی جدید ساخته یا آموخته می شود.

۷

تعاریف سازنده گرایی

واژه نامه روان شناسی آکسفورد:

اندیشه ای که طبق آن ادراکات، یادها و سایر ساخت های ذهنی پیچیده به طور فعال توسط فرد و در ذهن او ساخته می شود نه اینکه از بیرون به درون ذهن آید.

سانتروک:

یک رویکرد یادگیری که بر فعال بودن یادگیرنده در ساختن دانش و فهم تاکید می کند.

شانک:

یک دیدگاه روان شناسی و فلسفی که طبق آن ، افراد بیشتر آنچه را که یاد می گیرند و می فهمند، خود می سازند و شکل می دهند.

نقطه مشترک تعاریف:

نقش فعال یادگیرنده در درک و فهم و ساختن دانش

تغییر پارادایمی دیدگاه سازنده گرا:

انتقال دانش ← ساختن دانش

سازنده گرایی دیدگاه معلمان را از اینکه چه چیزی تدریس می کنند به اینکه دانش آموزان چه چیزی را می آموزند، تغییر داده است.

پیشگامان سازنده گرای

برونر

ویگوتسکی

پیاز

بارتلت

جان دیویی

گلاسرفیلد

فوکو
فریره
هابرماس

هربرت تثن

بندورا

پیاژه: سازنده گرایی درونزاد یا روان شناختی یا فردی

ایده های مرکزی:

ساخت دانش از طریق فرایندهای جذب، انطباق و سازمان فرد صورت می گیرد. افراد بر اساس دانش و باورهای فردی خود به ساختن دانش می پردازند.

ساختهای ذهنی از ساخت های شناختی قبلی درست می شود نه از اطلاعات صرفا محیطی و یا از طریق انتقال از یک منبع بیرونی به فرد.

دانش از طریق فعالیت های شناختی انتزاع یا تجرید به دست می آید.

هدف آموزش و پرورش:

حمایت از نیازها و علاقه های کودکان؛ زیرا یادگیری امری فردی است

روش آموزش و پرورش:

یادگیرنده محور

بازی برای یادگیری مهم است زیرا آن زمانی رخ می دهد که بچه ها به طور فعالی جهان را جستجو می کنند. معلمان باید آگاه شوند که یادگیرندگان با ساخت های ذهنی مختلف در کلاس حضور پیدا می کنند. برای مثال اگر معلم به کلمه خانه اشاره کند ، دانش آموزان از خانواده ها و محیط های مختلف مفهوم را به طور گوناگونی تفسیر خواهند کرد(توجه به تفاوت های فردی در روش آموزش).

ویگوتسکی: سازنده گرایی اجتماعی یا دیالکتیکی

فرض های اساسی:

تعامل اجتماعی یا ارتباط بین افراد جامعه و استفاده زبانی، کلید ساختن دانش است. دانش در یک بافت اجتماعی ساخته می شود. ما در ساخت یک جهان مشترک مشارکت می کنیم. این دیدگاه بیان می کند که این ممکن است که مردم معانی و درک مشترکی داشته باشند که از طریق بحث و مذاکره ایجاد می شود. این دیدگاه بر نقشی که بوسیله جامعه و فرهنگ در یادگیری بازی می شود، تاکید می کند. در چنین فضایی است که افراد ادراک می کنند، تفسیر می کنند و معانی ای را به تجاربشان ضمیمه می کنند. تاریخچه فردی تعیین کننده ی اصلی چگونگی تفکر فرد است.

آلبرت بندورا

فرد از طریق مشاهده و سازگاری با رفتار سرمشق شده دست به ساخت دانش می زند.

وی در نظریه شناختی اجتماعی اش بر مفهوم خودنظم دهی تاکید می کند.

برونر

فراگیرنده ساخت های معنی را می سازد ، تفسیر می کند و در اکتشاف آن مداخله می کند. یادگیری هدف محور است و به وسیله ی کنجکاوی محویت می شود. وی از یک وضعیت شناختی به یک وضعیت سازنده گرا در آموزش حرکت می کند که در این راستا به اهمیت اجتماعی زبان و فرهنگ در معناسازی توجه می کند. وی بیان می کند که معناسازی افراد درون یک زمینه و فرهنگ اتفاق می افتد از اینرو دانش به طور اجتماعی ساخته می شود. در این دیدگاه اکتساب دانش یک فرایند فردی با نتایج فردی است که بستگی به فرایندها و چارچوب های ذهنی شخصی دارد.

سازنده گرایی انتقادی: فوکو، فریره و هابرماس

این دیدگاه به عنوان پداگوژی انتقادی نیز مطرح است و به طور ویژه ای مربوط به بافت آموزش جامعه ی بزرگسال است. این دیدگاه اهمیت اولیه ایبه افزایش خودآگاهی مردم از شرایط فرهنگی و اجتماعی که در آن ، آنها خودشان را درمی یابند، می دهد. این دیدگاه تاکید بر اهمیت هستی حاصل از خودتاملی مردم دارد که آنها را توانا می سازد تا دیدگاه های اجتماعی غالب را به چالش بکشد. ارتباط در این دیدگاه یک ابزار است که از طریق آن دانش ساخته می شود.

گلاسرفیلد: سازنده گرای رادیکال

دانش یک فرایند و تولید از مغز انسانی است و تا حدودی منعکس کننده ی واقعیت بیرونی است و بنابراین نمی تواند از پیش تعیین شده باشد. ما در قبال جهان مسئول هستیم؛ ما در حال تجربه کردن هستیم. سازنده گرای نظریه ای است که چگونه یادگیرنده به نحوی بی همتا دانش را از تجربه بنا می کنند.

بارتلت

وی آزمایشهایی را بر روی افرادی که یک سری داستان می خوانند و بعد بازنویسی می کردند انجام داد و نتیجه گرفت که موقعی که فرد داستانی می خواند به کمک ربط دادن آن به ساختهای شناختی اش آن را درک می کند. یعنی ساختن معنایی که هم موجه هم منطقی است. هر چند که ممکن است معنای موردنظر نویسنده نباشد.

سازنده گرایی و کلاس درس

تعریف یادگیری از دیدگاه سازنده گرا:

یادگیری عبارت از خلق فعال ساختار دانش از تجارب شخصی است. هر یک از فراگیران بر اساس تجارب خود یک تفسیر شخصی از جهان می سازد. یادگیری یک فرایند فعال از این طریق است که یادگیرندگان معنای جدید را از طریق ترکیب دانشی که آنها هم اکنون دارند با اطلاعات جدید می سازند.

ویژگی های کلاس درس سازنده گرا:

چنین کلاسی فرصت هایی را در اختیار فراگیران می گذارد که خود آنان از طریق تجارب دست اول به درک و فهم مطالب برسند و دانش را بسازند. در این کلاس به دانش مسائل واقعی و معنادار داده می شود تا به بررسی و کشف هرگونه امکانات تدوین فرضیه ، ابداع راه حل ، همکاری با سایر دانش آموزان و باز آفرینی اقدام کنند

معلم سازنده گرا:

چنین معلمی انتقال دهنده و توزیع کننده دانش نبوده، بلکه به عنوان راهنما، تسهیلگر جریان یادگیری است. وی دانش آموز را یاری می رساند که مفاهیم و دستاوردهای ذهنی را به گونه ای کسب کند که بتواند موضوعات را به طریق معتبر و معنی دار انطباق دهد. وی دانش آموز را به استفاده از همه ی تجارب، دانش و چارچوب های ذهنی که به مدرسه می آورد تشویق و راهنمایی می کند.

دانش آموز سازنده گرا:

چنین دانش آموز درک و فهم و دانش تازه ی خود را از طریق تعامل بین دانسته ها و باورهای فعلی با اندیشه ها و رویدادها و فعالیت هایی که با آنها رویارو می شوند، می سازند. چنین دانش آموزی اندیشه ورز، توضیح دهنده، تفسیرکننده و پرسنده است.

رویکرد تدریس مبتنی بر سازنده گرایی: رویکرد تسهیل گر

آرای پل گودمن:

می توان بدون برنامه ریزی از پیش تعیین شده، جوانانمان را بر حسب انتخاب آزادشان به طور کامل تربیت کنیم.
هیچ یادگیری اثربخشی حاصل نمی شود، مگر اینکه، نیازها، خواسته ها و علایق و آرمان های افراد در نظر گرفته شود.

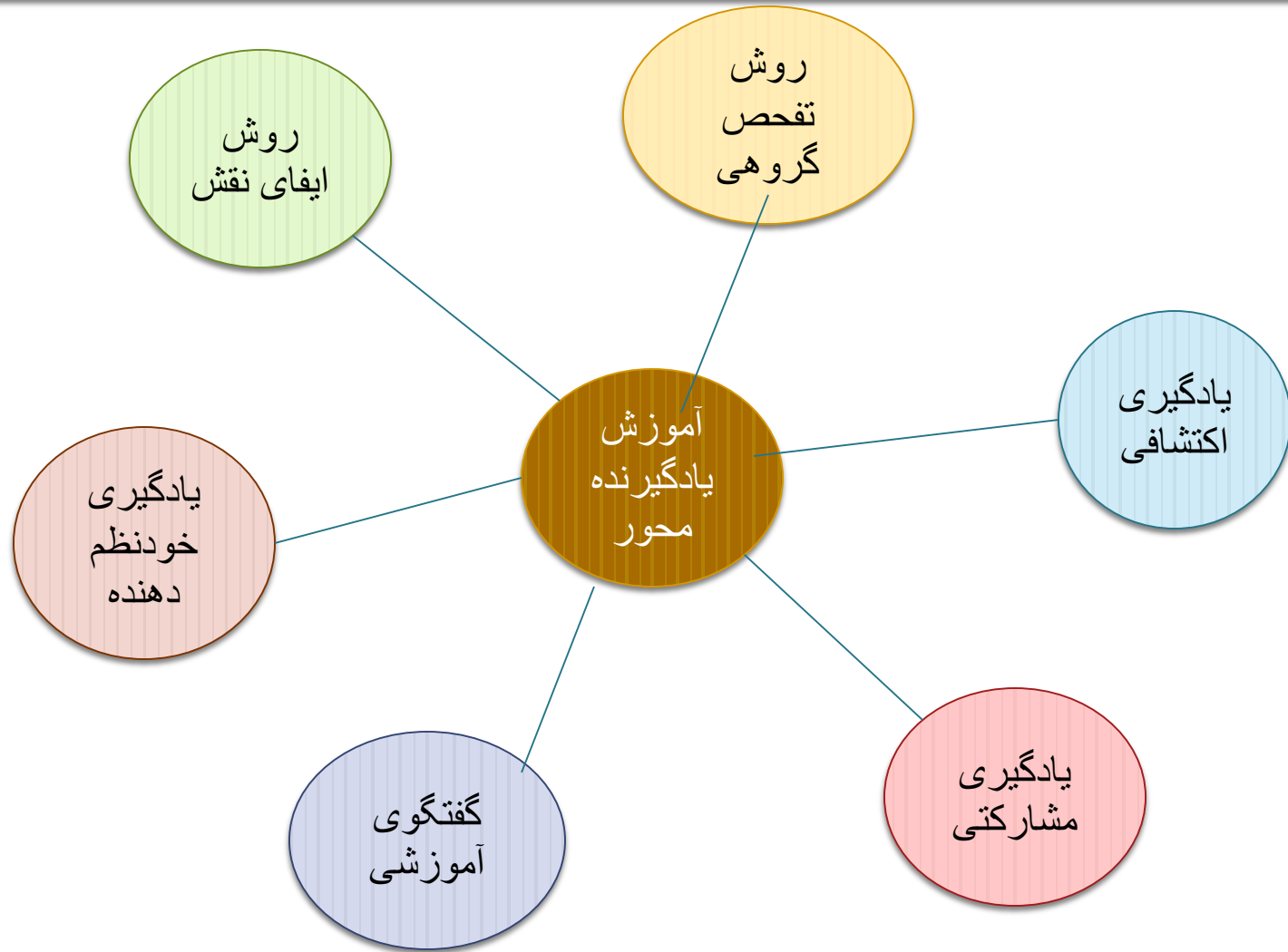
معلم تسهیل گر:

اولین مسئله ی مورد توجه وی، دانش آموز است و تسلط بر موضوع درسی در اولویت های بعدی است. وی بر این باور است که دانش آموزان با میزان قابل توجهی از دانش و درک وارد مدرسه می شوند که بر آمده از تجارب زندگی وی است.

معلم تسهیلگر توجه ویژه ای به سرگذشت، تجارب، نیازها، خواسته ها، نگرانی ها و علایق دانش آموز نشان می دهد. وی به همه دانش آموزان کمک می کند که به عنوان یک فرد اصالت خود را محقق سازند.

مربی تسهیلگر بر آن است تا دانشاموزان را آماده شرکت در یک سفر خودشناسی و خودشکوفایی کند.

روش های یادگیری مبتنی بر رویکرد سازنده گرایی



روش تفحص گروهی: جان دیویی، هربرت ثلن

گام	شرح گام
1	رویارویی شاگردان با مسئله
2	دانش آموزان چگونگی واکنش به مسئله را کشف می کنند
3	دانش آموزان طرح وظیفه بررسی را تدوین و برای بررسی سازماندهی می کنند
4	بررسی گروهی و مستقل
5	دانش آموزان پیشرفت و فرایند کار را تحلیل می کنند.
6	فعالیت با برخورداری از نتایج از سر گرفته می شود.

نقش معلم در این روش:

معلم نقش تسهیل گر و مشاور را دارد. وی در طرح مسئله وارد عمل می شود ولی شناسایی و تدوین راه حل مسئله را بر عهده دانش آموز باقی می گذارد.

قلب این روش تدوین برنامه کاوشگری است

این روش مستلزم فراهم آوردن موقعیت یادگیری مبتنی بر تجربه، دست زدن به حل مسئله ی اجتماعی با استفاده از کاوشگری است.

روش ایفای نقش

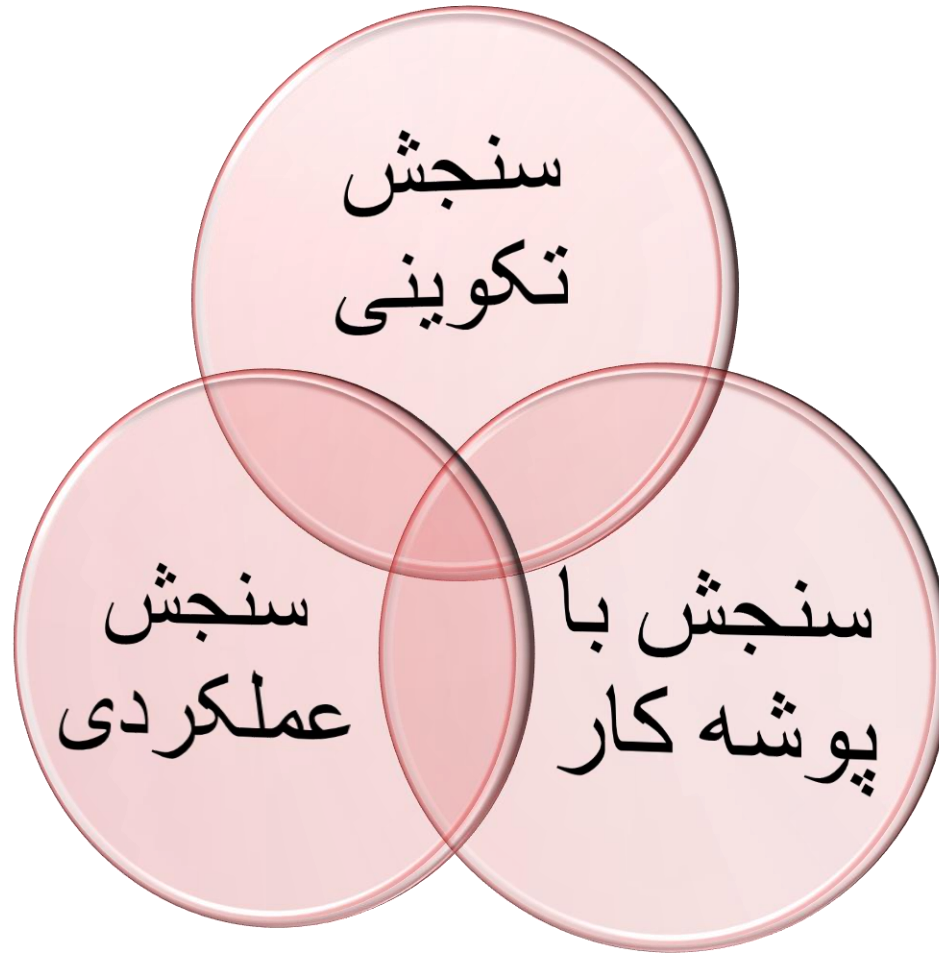
گام	شرح گام
1	گرم کردن گروه شامل: شناسایی مسئله، واضح ساختن مسئله، تفسیر داستان مسئله، نشان دادن موضوع های مهم، توضیح ایفای نقش
2	گزینش شرکتکنندگان: تحلیل نقش ها، گزینش بازیگران
3	پردازش صحنه: تنظیم محور رفتار، بیان مجدد نقش ها، وارد شدن در مسئله
4	آماده ساختن مشاهده گران: تعیین چیزی برای جستجو، تخصیص وظایف مشاهده
5	نمایش: شروع ایفای نقش، حفظ ایفای نقش و قطع ایفای نقش
6	بحث و ارزشیابی: بازنگری به رفتار ایفای نقش، بحث درباره موارد عمده، ایجاد نمایش بعدی
7	نمایش دوباره: ایفای نقش های اصلاح شده، پیشنهاد مراحل بعد یا جانشین های رفتاری
8	بحث و ارزشیابی
9	تجارب مشترک و تعمیم: ارتباط موقعیت دارای مسئله به تجربه ی واقعی و مسائل جاری، کشف اصول کلی رفتار

یادگیری مشارکتی

گام	شرح گام
1	تشکیل گروه های کوچک نامتجانس
2	داشتن هدف های روشن
3	مسئولیت فردی
4	وابسته بودن اعضای گروه به یکدیگر
5	معلم به عنوان هدایتکننده
6	پاداش دادن به توفیق گروهی
7	ارزشیابی از خود
8	تنوع مدت کار

گام	شرح گام های روش گفتگوی آموزشی
1	انتخاب موضوع بحث
2	یافتن زمینه ی مشترک برای بحث
3	بیان هدف های آموزشی
4	ترتیب دادن چگونگی نشستن
5	هدایت جریان بحث

روش های سنجش مبتنی بر رویکرد سازنده گرایی



مقایسه سازنده گرایی با دیدگاه های دیگر

نقش معلم	فرایند یادگیری	فعالیت ذهنی	نظریه
محیط و محرک ها را کنترل می کند.	محرک – پاسخ تقویت حادثه بیرونی	نامربوط	رفتارگرایی
اصول شناختی را به کار می گیرد تا فرایندهای شناختی را تسهیل کند.	حافظه یادگیری عمیق و سطحی رمزگذاری حادثه درونی	ادراک توجه پردازش اطلاعات	شناختگرایی
از معناسازی حمایت می کند و ایده های موجود را به چالش می کشد.	سازگاری درباره طرحواره ها	معناسازی	سازنده گرایی

نقد سازنده گرایي

- هنگامي که دانش آموزان در حال ساخت معنای نامعتبر هستند، برای معلم شواهدی وجود ندارد تا بر مبنای آن اقدام به ارزیابی دقیقی از یادگیری شاگردان کند. به عنوان مثال دو دانش آموز می توانند پاسخ صحیح به یک آزمون دهند اما فقط یکی از آنها در حال پردازش اطلاعات با چارچوبی معتبر است.
- دانش آموزان ممکن است تصور کنند که موضوعات جدید را به درستی درک می کنند در حالی که در حقیقت اینگونه نیست.
- معلم نیز ممکن است نتیجه گیری کند که فهم آنها درست است درحالیکه اینگونه نیست.
- عمده ترین سوالات در مورد رویکرد سازنده گرا عبارتند از: ۱- مربیان چگونه باید کودکان کم سن و سال را تربیت کنند تا انتخاب های آگاهانه ای را انجام دهند؟ ۲- زمانی که یک نوجوان در مقابل هر گونه مشارکت بیشتر در امر آموزش مقاومت می کند چه باید کرد؟ ۳- مرز آزادی و محدودیت کجاست

فهرست منابع

- روان شناسی پرورشی
- مکاتب فلسفی در غرب
- سیر آرای تربیتی در غرب
- فلسفه در قرن بیستم
- فلسفه آموزش و پرورش
- الگوهای تدریس 2004
- رویکردهای تدریس
- تبیین و ارزیابی دیدگاه سازنده گرایی
- در آمدی بر سازنده گرایی
- نظریه های یادگیری
- علی اکبر سیف
- جerald گوتک
- علیمحمد کاردان
- میر عبدالحسین نقیب زاده
- میر عبدالحسین نقیب زاده
- بورس جویس
- گری فنستر، جوناس سولتیس
- علی اکبر شیخی
- هاشم فردانش
- آنا جردن و همکاران